

جنگ روانی و نقض اصل عدم مداخله در امور داخلی توسط رسانه های فراملی

دکتر میثم اقبالی^۱ و دکتر مونا خلیل زاده^۲

۱. دانشجوی دوره دکترای تخصصی حقوق بین الملل عمومی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکزی)

meysam.eghbali@ymail.com

۲. دانشجوی دوره دکترای تخصصی حقوق بین الملل عمومی دانشگاه تهران

mona.kh65@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: رسانه های فراملی با نقض اصل عدم مداخله در امور داخلی و با به راه اندازی جنگ روانی و ایجاد چالش هایی نظیر مشروعیت و مقبولیت دولت ها در افکار عمومی، مورد تردید قرار دادن کارآمدی دولت ها، بی اعتماد ساختن مردم نسبت به مسئولان و رسانه های داخلی و اختلال در نظام ارتباطی دولت-ملت، به مثابه یک ابرقدرت رو در روی حاکمیت دولت ها قرار می گیرند که با بروز چنین وضعیتی، مسأله حل تعارض حقوق رسانه های فراملی با حق حاکمیت کشورها مطرح می شود. روش تحقیق: شیوه پژوهش حاضر مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه ای می باشد. یافته ها: لزوم رعایت اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت ها توسط رسانه های فراملی مقدم بر رعایت حق آزادی بیان و اطلاعات می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه در عصر حاضر، رسانه ها به سلاح جدید جنگی مبدل گشته اند و حمله و تهاجم نظامی جای خود را به جنگ روانی و تهاجم فرهنگی داده است، لذا در چنین شرایطی از جمله مهمترین چالش های فکری برای دولت هایی که در معرض آثار سوء این حملات قرار دارند، مقابله حقوقی و قانونی و مبتنی بر منطق در برابر این حملات است.

واژه های کلیدی: جنگ روانی، اصل عدم مداخله، رسانه های فراملی، نقض اصول حقوق بین الملل

۱- مقدمه

مداخله در امور داخلی سایر دولت‌ها توسط رسانه‌های فراملی تحت سلطه یک دولت با انگیزه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی صورت می‌گیرد. رسانه‌های فراملی به دلیل خصیصه هزینه بر بودن و نیاز به تخصص‌های علمی و فنی لازم جهت تولید و پخش برنامه‌های مختلف و متنوع، اکثراً در انحصار ابرقدرت‌های نظامی و تجاری جهان هستند که با استفاده از قدرت شگفت‌انگیز این رسانه‌ها بدنبال توسعه مرزهای فکری و نهایتاً گسترش بازارهای مصرفی خود می‌باشند، و با توجه به اینکه در دوران معاصر توسعه اقتصادی معیار و مبنای توسعه یافتگی کشورها قلمداد می‌شود، این ابرقدرت‌ها از هیچ کوششی جهت توسعه مرزهای اقتصادی و تجاری خود فروگذار نمی‌کنند. جنگ روانی از جمله راهکارهایی است که می‌تواند در راستای پیشبرد اهداف و برنامه‌های ابرقدرت‌های رسانه‌ای کمک‌های شایانی نماید. هرچند رسانه‌های فراملی از حق آزادی بیان و اطلاعات -که جزء حقوق بنیادین بشری می‌باشد- برخوردار هستند ولی در تعارض این حق با حق حاکمیت کشورها باید متذکر شد که امروزه حاکمیت دولت‌ها دیگر آن معنا و مفهوم اولیه خود را نداشته و از ابتدای قرن بیستم و ورود دولت‌ها به قرن بیست و یکم دچار نوعی فرسایش شده است و در مقایسه با آنچه که در دهه ۷۰ میلادی حاکمیت خوانده می‌شد کاهش قدرت چشمگیری را شاهد بوده است؛ در این میان ممکن است ابرقدرت‌های رسانه‌ای اصل آزادی بیان و اطلاعات و سایر اصول بنیادین را به مثابه ملعبه‌ای برای تحمیل و القاء افکار و عقاید خود قرار داده و با استدلال‌های به ظاهر منطقی خود همه اشکال تعرض به حقوق سایر دولت‌ها و ملت‌ها را کاملاً قانونی جلوه بدهند.

گفتار اول: جنگ روانی^۱

جنگ روانی یا جنگ نرم^۲ که در برابر جنگ سخت^۳ قرار دارد؛ در حقیقت شامل هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای است که یک جامعه را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، رقیب را به انفعال یا شکست وا می‌دارد. جنگ نرم در پی از پای درآوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آن را سست کرده و با بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی-اجتماعی حاکم، تزلزل و بی‌ثباتی تزریق کند. به گفته جین شارب^۴: «هدف جنگ نرم تغییر دولت‌های نامطلوب یا فروپاشی حکومت‌ها و کسب قدرت سیاسی است و به صلح طلبی، اعتقادات اخلاقی و مذهبی ربطی ندارد. جنگ نرم گزینه‌ای به جای جنگ سخت و مسلحانه برای رویارویی با حکومت‌های مورد نظر است»^۵. در سال‌های پایانی جنگ سرد^۶ اولین پروژه براندازی نرم در لهستان و با رهبری لخ والسا^۷ در جنبش کارگری این کشور تحقق یافت و با

^۱ Psychological War

^۲ Soft war

(واژه مترادف جنگ روانی است که استعمال آن در کتب متداول تر است)

^۳ Hard war

^۴ Gene Sharp

(مغز متفکر براندازی نرم، تئوریسین روش‌های ۱۹۸ گانه نافرمانی مدنی و همچنین مدیر مؤسسه آمریکایی آلبرت انیشتین)

^۵ رنجبران، داود، جنگ نرم، انتشارات ساحل اندیشه تهران، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۹، ص ۲۳

^۶ جنگ سرد اصطلاحی است که به دوره‌ای از تنش‌ها، کشمکش‌ها و رقابت‌ها در روابط ایالات متحده، شوروی و هم‌پیمانان آن‌ها در طول دهه‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۹۰ اطلاق می‌شود. در طول این دوره رقابت میان این دو ابرقدرت در عرصه‌های گوناگون مانند اتحاد نظامی، ایدئولوژی، روانشناسی، جاسوسی، ورزشی، تجهیزات نظامی، صنعت و توسعه فناوری ادامه داشت. این رقابت‌ها پیامدهایی مثل مسابقات فضایی، پرداخت هزینه‌های گزاف دفاعی، مسابقات جنگ افزار هسته‌ای و تعدادی جنگ‌های غیر مستقیم به دنبال داشت. گرچه در طول جنگ سرد هرگز درگیری نظامی مستقیمی میان نیروهای ایالات متحده و شوروی به وجود نیامد، اما گسترش قدرت نظامی، کشمکش‌های سیاسی و درگیری‌های مهم بین ابرقدرت‌ها و هم‌پیمانان آنان از پیامدهای آن به شمار می‌روند. هرچند ایالات متحده و شوروی در طول جنگ جهانی دوم و در مقابل آلمان نازی متحد بودند، اما حتی پیش از پایان جنگ نیز بر سر چگونگی بازسازی جهان پس از جنگ با هم اختلاف داشتند

فروپاشی شوروی و یوگوسلاوی و چند کشور دیگر اروپای شرقی، براندازی نرم به پارادایم جدیدی در حوزه قدرت و امنیت تبدیل گشت. در این سال ها مفاهیمی در گفتمان امنیت ملی کشورها وارد گردید که تفاوت ماهوی و شکلی عمیقی با گفتمان های پیشین داشت. زیرا آنچه که قدرت حفاظتی یا تهدید زدایی برای امنیت ملی کشورها محسوب می شد، بیشتر از مفهوم قدرت سخت و جنگ افزارهای نظامی نوع جنگ افزارها، قدرت برد و... ناشی می گردید. اما تحولات پیش گفته نشان داد که قدرت تنها از مؤلفه های سخت ناشی نشده است و آنچه که موجب سرنگونی این دولت ها شد بعد دیگری از قدرت، یعنی قدرت نرم بود.^۸ باید اعتراف کرد که رسانه های فراملی سلاح اصلی و در واقع مهم ترین سلاح در به راه اندازی جنگ نرم علیه دولت ها و ملت ها هستند، زیرا به آسانی هرچه تمام تر به عمیق ترین و پنهانی ترین زوایای جامعه نفوذ کرده و هرچه بر سر خود ببینند را در هم می شکنند و همه باورها را به سمت و سویی می برند که گردانندگان آن ها مد نظر خویش قرار داده اند.^۹

بند اول: عوامل ذهنی در جنگ روانی

عوامل ذهنی شامل پندارها، انگیزه ها، اعتقادات، تصورات، توهمات، خیالات و علاوه بر این ها شناخت بسترهای فرهنگی، تمدنی، دینی جامعه یا گروه مورد نظر است که در راه ارتکاب جنگ روانی به مجریان جنگ روانی کمک می کند. شکلی را تصور کنید که به یکی از دو حالت نیمرخ دو سر یا یک جام نوشیدنی در می آید. تصور و برداشت شما از این تصویر کاملا به «حالت ذهنی» شما بستگی دارد. اگر در انتظار سر باشید، آن ها در مرکز دید شما قرار می گیرند و اگر منتظر یک نوشیدنی باشید، جام در نظرتان ظاهر می شود. در واقع هر یک از آن ها برای خود مفاهیم منحصر به فردی هستند که شما نمی توانید آن ها را هم زمان در ذهنتان مجسم کنید. این مثال به راحتی در مورد جنگ روانی و فریب در جهان خارج مصداق دارد. نظام ذهنی انسان از مجموعه ای از عوامل و مؤلفه ها تشکیل شده است، در این میان، نظام هیجانی به منزله پلی میان نظام شناختی (اطلاعاتی) و نظام هماهنگ کننده عمل می کند. به علاوه اینکه پیام های حاوی اطلاعات تنها زمانی مخاطب را تحت تأثیر قرار می دهد که بار احساسی و عاطفی داشته باشد. در واقع نکته قابل توجه این است که در جنگ روانی بیشتر هیجان و عامل برانگیختن دخالت دارد. هیجان ها را محرک های بیرونی فرا می خوانند و جلوه های هیجان نیز معطوف به همان پیام (رویداد) مورد نظر مجری می باشد. تلاش برای تصرف و تغییر در فضای ذهنی، اغلب با تلاش برای تغییر حالات خلقی و هیجانی مخاطبان همراه می باشد. در تبلیغ تجاری، سیاسی و اقدامات غیر رسمی اجتماعی، تلاش برای ایجاد فضای ذهنی مطلوب در مخاطبان، اغلب با تکیه بر عنصر انگیزش و هیجان همراه است. استفاده فراوان از روش برانگیختن و هیجان در اعتقاد گروه مخاطب، نشان دهنده اثر بخشی و امتیاز این عامل است. تغییر و دستکاری تصورات ذهنی مخاطب و مختل کردن هوش و اراده او از بدترین و در عین حال کارآمدترین سناریوهای جنگ روانی است.^{۱۰} قدرت ویرانگر این سلاح ذهنی احتمال توسل به زور را به کلی از بین می برد. در واقع با این استراتژی «فریب خورده» به «فریب دهنده» خود تبدیل می شود.^{۱۱}

^۸ Lech Walesa

^۹ رنجبران، داوود، پیشین، ص ۲۹.

^{۱۰} برای مطالعه بیشتر در این مورد رک به:

Visited in: 25/6/2011, Available at: <http://WWW.media – anthropology.net/discussion-ma-definition.pdf>

^{۱۱} برای مطالعه بیشتر در این مورد رک به:

Visited in: 25/6/2011, Available at: <http://WWW.media – anthropology.net/discussion-ma-definition.pdf>

^{۱۱} رنجبران، داوود، پیشین، ص ۳۱.

بند دوم: تفاوت جنگ روانی و عملیات روانی^{۱۲}

همان طور که در تعریف جنگ روانی اشاره شد، جنگ روانی عبارت است از اقدامات طرح ریزی شده به منظور تأثیر بر عواطف و عقاید افراد دشمن، برای تخریب و تضعیف روحیه آنان در پشتیبانی هدف هایی که از طریق عملیات رزمی تعقیب می شود. اما در تعریف؛ عملیات روانی عبارت است از: «جنگ روانی به انضمام اقدامات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی که به منظور نفوذ در عواطف، عقاید، نظرات و اراده گروه های اجتماعی مختلف طرح ریزی شده است». در واقع جنگ روانی، هدف های ملی را در زمان جنگ پشتیبانی می کند. اما عملیات روانی به منظور ایجاد زمینه مساعد در احساسات، حالات و رفتار گروه های هدف در جهت نیل به اهداف ملی طرح ریزی و اجرا می گردد. بنابراین عملیات روانی وسیع تر و اعم از جنگ روانی است، اما در واقع این دو در بسیاری موارد به جای یکدیگر بکار می روند.^{۱۳}

بند سوم: اهداف جنگ روانی

اگر جنگ را یک نوع رویارویی، مقابله و کشمکش بین دو طرف تصور کنیم که در آن هر یک از طرفین به دنبال اهدافی هستند، جنگ نرم هم از این قاعده مستثنی نیست. مهم ترین و اصلی ترین هدف جنگ نرم را باید ایجاد تغییر در باورها و اعتقادات جامعه هدف جنگ نرم دانست، بدین سبب که کسانی که بخواهند در مسیر حرکت یک ملت و جامعه خلل یا تغییری ایجاد کنند باید سراغ تغییر باورها و اعتقادات آن ها بروند. اهداف دیگر جنگ نرم ایجاد تغییر در افکار و اندیشه ها و همچنین ایجاد تغییر در رفتار یک جامعه است که هر یک از اهداف مذکور، ایجاد تغییر در ایدئولوژی ملت ها را دنبال می کند.^{۱۴} اما هدف نهایی جنگ نرم علیه یک ملت ایجاد تغییر و دگرگونی در ساختار سیاسی آن جامعه و جایگزین کردن ساختاری جدید می باشد.^{۱۵} در یک جامعه مردم در شرایطی با نظام سیاسی خود با بحران مواجه می شوند که دیگر آن را مشروع ندانند و از نظر آنان مسئولان سیاسی مقبولیت خود را از دست داده باشند. لذا مشروعیت زدایی و مقبولیت زدایی جهت ایجاد بحران، ناآرامی و بی ثبات سازی در جامعه هدف، از مؤلفه های ویژه جنگ نرم به حساب می آید. هرگاه یک نظام سیاسی مشروعیت و مقبولیت خود را در بین ملتش از دست بدهد، به راحتی زمینه های لازم برای تغییر آن ساختار و نظام سیاسی و جایگزین شدن یک نظام و ساختار جدید فراهم می گردد.^{۱۶}

بند چهارم: استفاده از نقش پر رنگ رسانه های فراملی در ارتکاب عملیات روانی

امروزه رسانه های فراملی بعنوان چاقویی تیز، هم می توانند نقش تیغ جراحی را بر عهده داشته باشند و هم شمشیر آخته را. ابرقدرت های رسانه ای جهان، بعنوان دشمن ایدئولوژیک و استراتژیک کشورهای جهان سوم و در حال توسعه، با تمام توان رسانه ای خویش، سعی در به ثمر رساندن عملیات روانی علیه کشورهای تحت تأثیر القانات رسانه ای خود را دارند. در نبرد حاضر که به حق می توان آن را یک نبرد یکجانبه تمام و کمال نامید، ابرقدرت های رسانه ای، جدای از عملیات های جنگی که با استفاده از ابزارهای نظامی آن را شکل می دهند، از عملیات روانی نیز استفاده های فراوانی می کنند. «آلوین تافلر»^{۱۷} در

^{۱۲} Psychological Operation

^{۱۳} رنجبران، داود، همان، ص ۳۳.

^{۱۴} رنجبران، داود، همان، ص ۳۴.

^{۱۵} برای مطالعه بیشتر در این مورد رک به:

Visited in:14/5/2011, Available at: <http://WWW.clarkefoundation.org/acc/biography.php>

Visited in:23/5/2011, Available at: <http://WWW.SpaceScience.ir/Show Post.aspx?Post=0000159>

^{۱۶} رنجبران، داود، پیشین، ۳۵.

^{۱۷} Alvin Toffler

کتاب «جنگ و پادجنگ» می‌نویسد که: «وسایل ارتباطی عرصه نبرد آینده را به نحوی می‌سازند که از گلوله‌های سلاح‌های جنگی بسیار مرگبارتر است. وی در عین حال برخی از تاکتیک‌های این نبرد را که در رسانه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، معرفی کرده است که به اختصار عبارت است از:

- (۱) تاکتیک حذف: بر حذف کردن پاره‌ای از اطلاعات استوار می‌باشد
 - (۲) تاکتیک کلی بافی: در آن، جزئیات بزرگ جلوه داده می‌شوند، مانند بیانیه‌های دیپلماتیک
 - (۳) تاکتیک‌های زمان بندی: معمول ترین آن‌ها تأثیر در پخش پیام است تا پیام گیر زمین گیر شود
 - (۴) تاکتیک قطره چکانی: بر اساس آن، داده‌ها در زمان‌های گوناگون به مقدار کم پخش می‌شوند
 - (۵) تاکتیک تبخیر: در آن، شایعات پخش می‌شوند تا مخاطب سردرگم گردد
 - (۶) تاکتیک برگشتی: در صدد ساختن دروغ برای تست حریف است
 - (۷) تاکتیک دروغ بزرگ: منظور از آن، همان شیوه‌های دکتر گوبلز^{۱۸}، عنصر تبلیغاتگر آدولف هیتلر است.
- باید توجه داشت که رسانه‌های جمعی با اتکا به انتخاب آگاهانه، ارائه و انتشار مسائل و موضوعات رایج، می‌کوشند به صورت هدفمند، عقیده، سلیقه و شیوه زندگی تماشاگران، شنوندگان و خوانندگان را شکل دهند و هدایت کنند.^{۱۹}
- همینطور آژانس‌های خبری و عوامل آن‌ها نیز به جای برآوردن نیازها، علاقه‌ها و آرزوهای حقیقی مخاطبان، با ارائه برنامه‌های پرمحتوا، از طریق پیام‌های تبلیغاتی، رادیو و فیلم، آن‌ها را به مشتریان و مصرف‌کنندگانی خاموش، مطیع و غیرفعال بدل می‌کنند. تخریب، بی‌تفاوتی، پژمردگی نیروی اندیشه و نابودی اراده توده‌ها، پیامد اجتناب‌ناپذیر این نوع رابطه مخرب اجتماعی است که از طریق سیستم‌های رسانه‌های گروهی غرب به واحدی کلی تبدیل می‌شود. در مجموع رسانه‌های غربی در جریان امپریالیسم فرهنگی-رسانه‌ای، دامنه خود را فراتر از مرزهای یک کشور برده و به بهانه منافع ملی و از طریق شیوه‌های گوناگون عملیات روانی، به مقابله با کشورهای به اصطلاح جهان سوم و مستقل می‌پردازد.^{۲۰}

بند پنجم: جنگ روانی و نقش آن در سیاست خارجی

با گسترش وسایل ارتباط جمعی و افزایش تعاملات دولت‌ها با یکدیگر، بعد روانی و تأثیر آن بر افکار عمومی ملت‌ها اهمیت روزافزونی یافته است. جنگ روانی بعنوان پشتیبان واقعی سیاست خارجی و دیپلماسی به کار گرفته می‌شود؛ وقتی ساختارها و زمینه‌های لازم برای تغییرات، شکل نگرفته باشد، به کار بردن عملیات روانی به یک بلوف تو خالی تبدیل می‌شود. با این استدلال می‌توان نتیجه گرفت که فعالیت‌های تبلیغی-روانی به تنهایی کارساز و مؤثر نیست؛ بنابراین در عملیات روانی دو بخش اهمیت وجودی خواهد داشت:

- (الف) ایجاد عملیاتی واقعی و عملی برای به بحران کشاندن حریف؛
 - (ب) بهره‌برداری از موارد بحرانی در عملیات روانی برای رسیدن به مقصد.
- بنابراین برای عملیات روانی دو ابزار مختلف لازم است که عبارت است از: ۱- ابزارهای فشارهای عملی؛ و ۲- ابزارهای فشارهای تبلیغی-روانی.
- ابزارهای فشار عملی در عملیات روانی فراملی به چهار دسته اقتصادی، نظامی، دیپلماتیک و فشارهای فرهنگی-اجتماعی تقسیم می‌شود.

^{۱۸} Dr. Joseph Goebbels

^{۱۹} تافلر، آلین، موج سوم، ترجمه: خوارزمی، شهیندخت، نشر سیمرغ با همکاری نشر فاخته، چاپ نهم، تهران، ۱۳۷۳، ص ۲۱۵.

^{۲۰} برای مطالعه بیشتر در این مورد رک به:

دیپلماسی را بعنوان فن اراده سیاست خارجی و یا تنظیم روابط بین المللی از طریق مسالمت آمیز تعریف و توصیف کرده اند. اگرچه در بسیاری از مواقع دیپلماسی تنها یکی از ابزارهای اجرای سیاست خارجی در میان دیگر عوامل (اقتصادی، نظامی و فرهنگی) به شمار می رود، در روند بهره گیری از حربه های اقتصادی، فرهنگی و حتی نظامی نیز کاربرد آن ضرورت پیدا می کند. برای نمونه، در خلال جنگ جهانی دوم شاید بیش از هر زمان دیگری از دیپلماسی استفاده می شد. تعیین حوزه منافع ملی، راه های پایان دادن به جنگ، شیوه های برقراری اتحاد و ائتلاف با واحدهای سیاسی گوناگون، نحوه اعمال تحریم های اقتصادی، مشخص ساختن حریم امنیتی، کسب امتیاز، تعیین حوزه نفوذ و بالاخره تشویق، تنبیه، تهدید و پاداش، همه از ویژگی های دوران جنگ به حساب می آیند.^{۲۱}

در طول سال های جنگ سرد به خوبی ارتباط جنگ روانی و سیاست خارجی در روابط دو ابرقدرت به تصویر کشیده شد. امروزه نیز با توجه به انقلاب در امر ارتباط و روابط بین الملل، تمام دولت ها برنامه هایی برای پخش و هدایت اطلاعات و تبلیغات به خارج از مرزهای خود دارند. دولت ها به واسطه مراکز سیاست گذاری و تبلیغاتی یا پخش برنامه ها و تولیدات خود در خارج از مرزهای جغرافیایی کشورشان، در صدد ایجاد نگرش مطلوب در اذهان سایر ملل نسبت به سیاست هایشان هستند. دیپلماسی همانند کوه یخ دارای دو قسمت آشکار و پنهان است. بخش آشکار آن که در دسترس و قابل مطالعه می باشد شامل موضع گیری های مقامات رسمی، سخن گویندگان و سفرا و نمایندگان دولتی و مطالب مندرج در مطبوعات و نشریه ها می شود. این بخش با اینکه سیاست های اعلامی دولت ها را شامل می شود اما به اندازه کافی قابل اتکا می شود، تا حوزه پیوند با جنگ روانی را ایجاد نماید. سیاست غیر رسمی تعهدآور نیست و قابل تکذیب است و حجم عظیمی از امور دیپلماتیک که موضع گیری رسمی در قبال آن ها می تواند منجر به ایراد خسارت و لطمات جبران ناپذیر به منافع دولت ها شود مشمول همین طیف است. دولت ها امروزه با فعالیت های جاسوسی و جنگ روانی علیه سایر دولت ها و گروه های بین المللی سعی در تشویش و تحریک اذهان و افکار عمومی سایر ملل در خصوص موضوعات مورد نظرشان می کنند.^{۲۲} جنگ روانی در قالب دو منطق قابل بازگویی است: «منطق نفوذ» که در آن عواملان جنگ روانی در صدد تخریب روحیه دشمن، اختلال در سیستم های اطلاعاتی و تصمیم گیری آن ها می باشند. و دیگری منطق «سد نفوذ» که جنبه تدافعی داشته و در صدد تحکیم مواضع جبهه خود و تقویت نیروهای خود در مقابل فروپاشی و نفاق است. در حقیقت جنگ روانی مانند آفتاب پرستی است که هر لحظه به شکلی خود را نشان می دهد. جنگ روانی هنر توانایی عظیم ذهنی و قدرت عملیاتی و نیروی نامحدود روحی می طلبد چنان که در این نوع جنگ آفرینش ها، نیرنگ ها و تاکتیک های عملیاتی مهم است. بنابراین مجری جنگ روانی کارآمدترین ابزار و اندیشه ها را به کار می گیرد تا هدفی که به دنبال آن است را به بهترین نحو به انجام برساند. جنگ روانی وسیله ای است که نمی توان آن را از هدف و مقاصد آن جدا دانست. هدف از جنگ روانی نیت و قصد سیاسی است و جنگ روانی ابزاری سیاسی و دیپلماتیک برای رسیدن به عملی غیر خشونت بار که زاده سیاست است می باشد.^{۲۳}

گفتار دوم: اصل عدم مداخله در امور داخلی

اصل عدم مداخله از مسائل مهم حقوقی است که حقوقدانان در روابط بین المللی اهمیت آن را مطرح کرده اند. در حال حاضر نیز سازمان ملل متحد بر آن تأکید جدی دارد؛ زیرا دخالت در امور داخلی یک کشور گذشته از اینکه اهانت به مردم و دولت آن

^{۲۱} برای مطالعه بیشتر در این مورد رک به:

Visited in: 25/7/2011, Available at: <http://WWW.mediaite.Com/online/news-of-the-World-hached-into-deleted-missing-girls-voico-mail>

^{۲۲} برای مطالعه بیشتر در این مورد رک به:

Visited in: 1/6/2011. <http://WWW.rbso.Com/propaganda.pdf>

Visited in: 24/5/2011, Available at: <http://WWW.howstuffworks.com/satellite.html>

^{۲۳} ذوالفقاری، مهدی، "جنگ روانی"، نشریه ره آورد سیاسی، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۸۶، ص ۲۰.

کشور به حساب می آید، اصولاً روابط بین المللی را نیز به هم می ریزد و صلح جهانی را به خطر می اندازد و حتی منافی با حقوق اساسی کشورهاست که از جانب همه نهادهای بین المللی به رسمیت شناخته شده؛ یعنی ناقض حق حاکمیت دولت ها می باشد؛ زیرا این اصل منافی حق استقلال کشورهاست، از اینکه بتوانند به صورت آزاد و بدون تحمیل برنامه ای درست یا نادرست از جانب بیگانگان، سرنوشت خود را به دست بگیرند و با هم فکری و همکاری اعضای جامعه، وضعیتی مطلوب را برای خود فراهم کنند و در صحنه بین المللی، رقابت آزاد و سازنده ای با دیگران داشته باشند. بنابراین اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها عبارت است از: «شناسایی حقوق یک ملت در انتخاب نظام سیاسی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی ویژه ای که برای تحقق ارزش ها و منافع خود انتخاب کرده اند، به شرط مغایرت نداشتن اعمال و اختیارات حقوقی خود با حقوق دیگر ملت ها و جوامع و زبان آور نبودن برای آن ملت ها». این اصل بر پرهیز از جنگ مبتنی است. از این رو در گردهمایی های صلحی که در اروپا تشکیل گردیده، بیش از هر چیز بر ضرورت عدم مداخله تأکید شده است. این اصل در میان جامعه ملل و در نهایت در منشور ملل متحد مندرج گردیده و تا کنون مجامع بین المللی بر آن تأکید نموده اند.^{۲۴}

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بیستمین سال تأسیس خود^{۲۵} اعلامیه ای هشت ماده ای در زمینه عدم مداخله کشورها در امور یکدیگر را صادر کرد و در آن یادآور شد که هیچ دولتی حق ندارد به عذر و بهانه ای، بطور مستقیم یا غیرمستقیم در امور داخلی و خارجی سایر دولت ها دخالت کند. هیچ دولتی نباید به اقدام های اقتصادی، سیاسی و مانند آن به منظور سلب حق حاکمیت کشور دیگر و استثمار آن -به هر صورتی که باشد- متوسل شود یا به این کار تشویق کند. هیچ کشوری نباید فعالیت های خراب کارانه و یا مسلحانه برای سرنگون کردن رژیم کشور دیگر و یا دخالت در جنگ های داخلی سایر کشورها ترتیب دهد و یا این گونه فعالیت ها را تحریک کند و به آن ها دامن بزند یا مخارج آن ها را تأمین کند و مورد حمایت قرار دهد. اما با توجه به اقدامات مستبدانه برخی دولت ها در کشور خود، حقوقدانان به این نتیجه رسیده اند که عدم دخالت در امور داخلی کشورها -به صورت مطلق- به صلاح ملت ها و نیز قدرت ها نخواهد بود. به همین دلیل مسأله موازنه قدرت ها مطرح گردید؛ به این معنا که هرگاه یکی از قدرت های موجود از امکانات بیشتری برخوردار شود، به گونه ای که خطری برای دولت ها به حساب آید، همگان باید در مهار و تضعیف آن کشور، هرچند از طریق دخالت در امور داخلی آن باشد همکاری کنند. گرچه این فکر از لحاظ حقوقی پایدار نماند اما موجب در نظر گرفتن استثنائاتی برای اصل عدم مداخله شد. اما آنچه بدون تردید رعایتش ضروری است و خدشه در آن نقض حاکمیت محسوب می شود اقدام علیه امنیت و منافع ملی یک جامعه است.

بند اول: لزوم رعایت اصل عدم مداخله در امور داخلی

دولت ها باید اصل عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر را رعایت کنند. در همین راستا به موجب بند ۷ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد، این سازمان از مداخله در اموری که اساساً در حیطه صلاحیت ملی دولت هاست منع شده است. اما این حق موجب استثنا کردن اقدامات کمتر از تهدید یا استفاده از زور -جهت بهبود شرایط اقتصادی و پیشرفت و توسعه اجتماعی- نمی شود. به علاوه اگر دولت ذی ربط، تعهدی بین المللی در این مورد پذیرفته باشد، آن مسأله دیگر داخلی قلمداد نمی شود.^{۲۶} بنابراین قلمرو محفوظ از مداخله قلمروی است که فعالیت های دولتی یا بطور کلی صلاحیت دولت در قالب حقوق بین الملل نسبت به

^{۲۴} موسوی، سید فضل الله و حاتمی، مهدی، "مداخله بشر دوستانه: نقض قاعده یا استثناء سوم"، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱، ۱۳۸۶، ص ۲۲.

^{۲۵} ۱۹۶۵ م

^{۲۶} مسائل داخل در صلاحیت اساساً ملی آن مسائلی هستند که حقوق بین الملل اصولاً حل و فصل آن ها را بر عهده خود دولت ها گذارده است

آن مفید نشده است. طبیعت حقوق بین الملل ایجاب می کند که به هر مسأله ای بپردازد و در نتیجه حدود صلاحیت ملی را محدود کند.^{۲۷}

بند دوم: جنگ رسانه ای و اصل ممنوعیت مداخله در امور داخلی کشورها

با قبول این مطلب که رسانه های فراملی قادر هستند بعنوان ابزار جنگی بسیار قدرتمند در کنار سایر ادوات جنگی قرار بگیرند و جنگ نرمی را بدون تخریب فیزیکی انجام دهند، می توان گفت اگر رسانه های فراملی به تشویق اذهان عمومی و جنگ روانی در کشور هدف مبادرت ورزند این عملکرد آن ها مصداق بارز مداخله در امور داخلی کشورهاست و اصل عدم مداخله می تواند در این موضوع کاربرد داشته باشد، لذا تبیین ضرورت عدم مداخله در امور داخلی کشورها ضروری می نماید. در ارتباط با تعریف «مداخله» اختلافاتی ابراز شده، تا حدی که بعضی از حقوقدانان ادعا کرده اند درحقوق بین الملل، مداخله هیچگاه معنای واحدی نداشته است؛ از طرفی مداخله به معنای حق هریک از دولت ها برای حمایت از اتباع و اموال آن ها در خارج از مرزهای ملی بکار رفته؛ و از طرف دیگر در برگیرنده عملیاتی قاهرانه یک یا چند دولت بوده که با اعمال فشار دیپلماتیک یا استفاده از زور و تهدید قصد داشتند نظر خود را در مورد مسائلی که در قلمرو مسائل ملی و حاکمیت دولت دیگری قرار گرفته است، به آن دولت تحمیل نمایند.^{۲۸} پس از اینکه زمینه مداخله رسانه های فراملی در امور داخلی کشورها فراهم گردید، ابعاد مفهوم مداخله گسترده شده و تنها به مداخله برای حمایت از اتباع و اموال دولت او و همچنین مداخله قهری و نظامی اطلاق نگردید. مداخله در امور داخلی کشورها توسط رسانه های فراملی کاملاً بدون خشونت و آرام است و اساساً در تضاد با عملیات قاهرانه و نظامی است که با فشار و زور بر کشورها تحمیل می شود. مسأله مهمی که در این خصوص مطرح می شود، مشروعیت مداخله توسط رسانه های فراملی است. به عبارت دیگر رسانه های فراملی باید برای مداخله خود توجیهی مطابق با حقوق بین الملل داشته باشند.

بند سوم: واقعیت ها و حقایق مداخله رسانه های فراملی در امور داخلی کشورها

یکی از قواعد کلی و مسلم حقوق بین الملل، که در منشور سازمان ملل متحد بدان اشاره شده؛ «احترام به حاکمیت کشورها و عدم نقض آن توسط سایر دولت ها است». اما باید ذکر کرد که هرچند درست است که مداخله در امور داخلی ممنوع است، اما دامنه آنچه در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی، امور داخلی دانسته می شد، با آنچه امروزه امور داخلی دانسته می شود، متفاوت است. امروزه امور داخلی دامنه بسیار محدودتری دارد و حقوق بین المللی مهم ترین عامل محدود کننده آن است. دولتی که در زمینه حقوق بشر، سلاح های کشتار جمعی، محیط زیست و ... به معاهدات بین المللی می پیوندد، نمی تواند همچنان و علی رغم عضویت در این معاهدات، مدعی شود که هیچ دولتی، سازمانی، رسانه فراملی و ... نمی تواند بر رفتار او در آن زمینه اظهار نظر کند، چون آن امور در حیطه صلاحیت داخلی اش قرار دارد. در این ارتباط می توان مثال هایی در مورد مداخله رسانه های فراملی زد که به مسائل حقوق بشری و محیط زیستی در کشوری می پردازند و این عمل آن ها مشمول اصل عدم مداخله نمی شود. در ارتباط با مداخله برای حمایت از حقوق بشر می توان به کشور لیبی اشاره کرد. برای مثال: مداخله در امور داخلی کشوری مانند لیبی، در زمان عادی (عدم نقض حقوق بشر) نامشروع بود. اما زمانیکه معمر قذافی (رهبر لیبی) آتش بر روی مردم گشود و به کشتار مردم بی دفاعش پرداخت و عملاً شاهد نقض فاحش حقوق بشر بودیم، در این وضعیت، انعکاس دادن خبرهای لیبی توسط رسانه های فراملی دیگر ممنوع نبود و حتی انعکاس دادن خبرهای لیبی توسط رسانه های فراملی به حفظ صلح و امنیت بین المللی کمک می کرد، که حتی در بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد نیز مجاز دانسته شده است و

^{۲۷} افتخار جهرمی، گودرز، "حاکمیت دولت ها و محدودیت های منشور ملل متحد"، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، ۱۳۷۵، ص ۳۴؛ و نیز، زایدل هوهن فلدرن، آیگنانس، حقوق بین الملل اقتصادی، ترجمه: زمانی، سید قاسم، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۵، ص ۲۰۱.

^{۲۸} راعی، مسعود، "دخالت های بشردوستانه و حقوق بشر، مجله معرفت"، شماره ۷۰، مهر ۱۳۸۲، ص ۵۹؛ و نیز، پروین، خیراله، "حقوق بشر و تأثیر آن بر حاکمیت ملی دولت ها"، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۲۷.

حقیقتاً انعکاس ندادن خبرهای لیبی مذموم و ناشایسته بود. جیمی متزل^{۲۹} می گوید: «اگر رسانه های فراملی جهت جلوگیری از وضعیت وخیم حقوق بشر در امور کشورها دخالت کنند هیچ مانعی ندارد». در ارتباط با مداخله برای حمایت از حقوق محیط زیست نیز می توان به کشور آمریکا اشاره کرد. در آمریکا انتشار گازهای گلخانه ای خطری جهانی برای محیط زیست تلقی می شود و باعث شده است که فعالان محیط زیست در سراسر جهان نگران شوند و بعنوان مسأله زیست محیطی در برنامه های مختلف ماهواره ای و همچنین در شبکه های اجتماعی اینترنتی در ارتباط با آن نظر دهند و مباحثه کنند. بنابراین با چنین دیدگاهی رسانه های فراملی می توانند در امور داخلی کشورها مداخله کنند و مشکلی از لحاظ حقوقی بر آن ها وارد نخواهد بود.

بند چهارم: عدم جلوگیری از ایراد لطمه به منافع مشروع سایر دولت ها توسط رسانه های فراملی

بطور معمول اعمالی که از سوی رسانه های فراملی ارتکاب می یابد و منجر به ایراد خسارت به منافع مشروع و مورد حمایت دولت های دیگر می شود ماهیتاً قوانین داخلی آن دولت ها و قواعد بین المللی را نیز نقض می کنند. بدین ترتیب دولت ها مسئولیت دارند با اتخاذ تدابیر لازم، از ایراد لطمه و صدمه به منافع مشروع دولت های دیگر توسط رسانه های فراملی تحت سلطه خود جلوگیری نمایند. از جمله موارد زیر عمل مخالف حقوق بین الملل تلقی شده و ممکن است موجبات مسئولیت یک دولت را فراهم کند.

بند پنجم: اعمالی که حاکمیت و امنیت ملی کشورهای دیگر را نقض می کند

الف: حاکمیت ملی: اگر به جایگاه حاکمیت، در مفهوم «دولت» بعنوان اجتماع انسان هایی که در سرزمین معینی سکونت اختیار کرده اند و یک نظام سیاسی، یعنی «حکومتی سازمان یافته که بر آن ها اعمال حاکمیت می کند» نگاه کنیم، عنصر «حاکمیت» از میان دیگر عناصر (جمعیت، سرزمین و نظام سیاسی) مهم ترین شاخص تمایز این پدیده عالی سیاسی - یعنی «دولت» - از سایر گروه بندی های انسانی و وجه قوام آن است؛ زیرا عوامل ۳ گانه دیگر در اجتماعات انسانی کوچکتر، مانند قبایل، ایلات، شهرها و استان ها، که به آن ها «دولت» اطلاق نمی شود نیز شناسایی شده اند. از این رو عاملی که دولت را از نظر ماهوی جدا از سایر اجتماعات نظام یافته بشری قابل شناسایی می سازد عنصر «حاکمیت»^{۳۰} است. حاکمیت مبتنی بر این فرض است که دولت های ملی اصولاً نمایندگان مردمشان هستند و در مسائل مهم کشوری صلاحیت رسیدگی به انجام امور را دارند. هر دولتی می تواند از حق حاکمیت خود استفاده کند و البته این حقی نیست که دولتی را ملزم به استفاده از آن کند. دولت می تواند از حق مزبور در زمانیکه لازم بداند بهره برداری کند و هنگامیکه ضروری تشخیص ندهد از حق حاکمیت استفاده نکند، زیرا حق مذکور حقی مطلق برای دولت است (باداشامی، ۲۰۰۸، ۴) اما این هرگز بدان معنی نیست که یک دولت اجازه بدهد تا رسانه های فراملی تحت سیطره ابرقدرت ها با تمام توان خود حاکمیت یک دولت را عرصه تاخت و تاز خویش قرار داده و هرگونه تعرضی به حاکمیت دولت ها را در لوای حق آزادی بیان و اطلاعات اعمال نمایند.

ب: القای ترس و واهمه به حاکمیت: رسانه های فراملی فی نفسه پدیده هایی هستند که احساس خطر را در حاکمیت سیاسی بر می انگیزند. اینکه رسانه ها را قوه چهارم نامیده اند به این احساس خطر دامن می زند. افکار عمومی که رسانه ها بطور مداوم با آن سر و کار دارند می تواند سبب جابجایی حکومت ها شود. از این رو در قوانین و مقررات مربوط به رسانه های

^{۲۹} Jamie Metzl

^{۳۰} Sovereignty

^{۳۱} کریمی والا، محمد رضا، "نظریه حاکمیت در دیدگاه اسلام، مجله معرفت"، شماره ۱۱۵، ۱۳۸۶، صص ۲۹-۲۸

فراملی باید تمهیداتی به کار رود تا احساس ناامنی حاکمیت‌ها را به حداقل برساند؛ حتی با فراهم بودن همه شرایط (سرمایه، نیروی انسانی متخصص و مخاطب). اما باید گفت که اگر یک حاکمیت سیاسی بخواهد از کار یک رسانه فراملی تحت سیطره خود جلوگیری کند، آن رسانه در کار خویش موفق نمی‌شود. به همین جهت نخست باید در قانون تضمین‌های کافی جهت رعایت امنیت و منافع ملی سایر دولت‌ها وجود داشته باشد، دوم اینکه رسانه‌ها باید حریم سایر حاکمیت‌های سیاسی (مثل اسرار محرمانه دولتی) را رعایت کنند و برای تخلف از آن مجازات‌هایی در نظر گرفته شود. دیگر اینکه در هیأت‌های نظارتی، در کنار کارشناسان و عوامل حرفه‌ای و صنفی آزاد، کارشناسان و عوامل حرفه‌ای دولتی نیز حضور داشته باشند تا نظارت کامل بر عملکرد این رسانه‌ها هرچه بهتر و بیشتر تضمین شود.^{۳۲}

بند ششم: رسانه‌های فراملی رو در روی حاکمیت دولت‌ها

فرستادن سیگنال ماهواره ای توسط کشوری به داخل کشور دیگر می‌تواند از دو زاویه نگریسته شود؛ اولین آن این است که فرستادن امواج ماهواره ای که از مرزهای سیاسی کشورها عبور کند می‌تواند آزادی بیان را محقق سازد و آن را تحکیم بخشد. ولی از زاویه دیگر اگر به این موضوع به دقت بنگریم خواهیم دید که عبور امواج ماهواره ای از مرزهای دولت‌ها نقض آشکار حاکمیت ملی آن‌ها است.^{۳۳} ادعای نقض حاکمیت کشورها توسط ماهواره‌ها بر رسانه‌های اینترنت نیز صدق می‌کند، زیرا اینترنت هم به راحتی از مرزهای کشورها عبور می‌کند. سایت‌های اینترنتی می‌توانند تصاویر مستقیم و مستندی از درون کشورها ارائه بدهند.^{۳۴} گوگل ارث^{۳۵} پدیده نوینی است که به راحتی درون قلمرو کشورهای جهان را به راحتی نشان می‌دهد و آن را به مخاطبان خود ارائه می‌دهد که پس از سال ۲۰۰۵ هر روز امکاناتش کامل تر و پیشرفته تر شده است.^{۳۶} لینک‌هایی مانند گوگل ارث چالشی جدی برای دولت‌هاست و در این میان حق حاکمیت کشورها نادیده گرفته می‌شود. رسانه‌های فراملی با تکیه بر حق آزادی بیان و اطلاعات می‌توانند فعالیت خود را مشروعیت بخشند و آزادانه به داخل مرزهای سیاسی کشورها نفوذ کنند و در مقابل کشورها می‌توانند با تأکید بر حق حاکمیت خود، ورود رسانه‌های فراملی را محدود کنند و مانعی بر فعالیت آزاد آن‌ها ایجاد کنند. البته مانع و محدودیت را معمولاً کشورهایی ایجاد می‌کنند که ورود رسانه‌های فراملی برای آن‌ها بحران آفرین است و در همین نقطه به خوبی تداخل و تزاوج حق حاکمیت کشورها و حقوق بشر آشکار می‌گردد.

بند هفتم: مصادیق اقدامات رسانه‌های فراملی در فرسایش و براندازی نرم حاکمیت کشورها

رسانه‌های فراملی قادر هستند دولت‌ها را با چالش‌های جدی مواجه کنند. بخصوص با پیدایش و گسترش ماهواره‌ها و اینترنت که در عمل مرزهای جغرافیایی را از بین برده و با پخش فرامرزی اصل حاکمیت دولت‌ها را نادیده گرفته‌اند. مواجه کردن نظام‌های سیاسی با چالش مشروعیت و مقبولیت در افکار عمومی، مورد تردید قرار دادن کارآمدی آن‌ها، بی‌اعتماد ساختن مردم به مسئولان و رسانه‌های خودی و اختلال در نظام ارتباطی دولت-ملت، گوشه‌ای از تأثیر فوق‌العاده رسانه‌های فراملی در تضعیف و براندازی نرم حاکمیت دولت‌ها است.^{۳۷}

^{۳۲} محمدی، مجید، "آموزش حقوق رسانه‌ها، نشریه علوم اجتماعی، رسانه"، سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۷۹، ص ۳۲.

^{۳۳} E Price, Monroe, ((Governance , globalism and satellites)), Global Media and communication, 2008, p.247.

^{۳۴} نقیب السادات، سید رضا، "تهدیدهای رسانه‌ای، مدیریت و بحران"، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۲۳، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵.

^{۳۵} Google Earth

^{۳۶} Kumar, Sangeet, ((Google Earth and the nation State: Sovereignty in the age of new media)), Global Media and Communication, 2010, p.159.

^{۳۷} سلطانی فر، محمد، "رسانه‌ها، بحران‌های نوین و جنگ‌های پست مدرن"، فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۴۲ و ۴۳، پاییز ۱۳۸۳، ص ۳۲.

الف: تهاجم فرهنگی: آنچه در مسأله تهاجم فرهنگی باید مد نظر قرار بگیرد مسأله تبلیغات و تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی و یا ارزش های اصیل یک جامعه است. تبلیغات -چنان که اشاره شد- یکی از ابزارهای پیشبرد هدف های سیاست خارجی است؛ یعنی تلاش برنامه ریزی شده یک دولت برای تأثیر نهادن بر ارزش ها و نگرش های گروهی از مردم یک کشور دیگر، برای هدایت افکار و اعمال آنان به سوی هدف های تعیین شده. کشوری که می خواهد رفتار مردم کشور دیگر را به وسیله تبلیغات در جهت منافع خود و به رغم نگرش ها و سیاست های دولت خودی هدایت کند، به وسایل گوناگونی همچون رادیو، تلویزیون، نوارهای ویدیویی و یا برنامه های ماهواره ای با بهره گیری از شیوه های روان شناختی متوسل می شود.

شیوه ها و شگردهای تبلیغاتی روز به روز علمی تر و زیرکانه تر می شود. لازم نیست تبلیغات همواره متوجه شوراندن همه یا بخشی از مردم یک کشور باشد، گاهی هدف تبلیغات این است که مردم یک کشور و یا گروه هایی از آنان را تحت تأثیر قرار دهد تا آن ها نیز با فشار بر دولت بر تصمیمات مقامات دولتی اثر بگذارند.

تصور می کرد که مردم یک کشور نسبت به کشورهای خارجی دارند بیشتر مبتنی بر اخبار، گزارش ها، فیلم ها و عمدتاً با توجه به رویدادهای فرهنگی است، نه بر اساس تجارب مستقیم و جامع. بدین روی، تصور و نگرش آنان نسبت به کشورهای خارجی نارساست. بنابراین هر کشوی با تبلیغات می تواند از طریق نمایش برخی موفقیت ها و دستاوردهای خویش، نظر مردم یا گروه هایی از کشور دیگر را به سوی خود جلب کند. هنوز بسیاری از مردم کشورهای آسیایی و آفریقایی به بهشت آمریکایی باور دارند. آنان از وضع قشرهای فقیر این کشور بی اطلاع اند، مگر هنگامیکه سیاه پوستان لوس آنجلس قیام کنند تا گوشه هایی از زندگی آمریکایی بر همگان معلوم گردد. با تبلیغات وسیع مبنی بر اینکه حکومت کشور مورد نظر دولتی فاسد یا دست نشانده است، اعتبار و قدرت دولت را در انظار مردم کشور خود و جهانیان خدشه دار می کنند. بی اعتنایی مردم به حکومت و جدا کردن گروه هایی از آن، آغاز براندازی دولت است. همچنان که ممکن است این اقدام با شگرد بهره برداری از اختلافات و شکاف های درون جامعه در جهت به راه انداختن حرکات خشونت آمیزی مانند کشتارهای فرقه ای، برخوردهای قومی و محلی و اعتصاب و آشوب برای بی اعتبار کردن و هتک حیثیت حکومت باشد. بنابراین هرگونه برنامه ای که از طریق رسانه های فراملی از جمله ماهواره و اینترنت، ارزش های اساسی مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی یک جامعه را تهدید کند، چنین اقدامی یک اقدام علیه امنیت ملی محسوب می شود و دولت خاطی باید از ارتکاب آن منع گردد.

قدرت های مسلط در هر عصر بر می آیند اسلوب ها و الگوهای خود را فراتر از مرزهای خویش و در روش زندگی دیگران رسوخ دهند. از این رو در دوران معاصر با پدیده ای به نام «استعمار کوکا» مواجه هستیم -که طی آن مثلاً بسیاری از قصرهای سبک فرانسوی را در خارج از آن کشور می یابیم- اینچنین اقداماتی نوعی تهدید به شمار می رود، تهدیدی که به دنبال طرد تفاوت هاست، تفاوت هایی که بخشی از هویت فرهنگی و ملی ملت های مختلف را تشکیل می دهد. دولت ها حق دارند با تکیه بر ارزش های فرهنگی و ملی خود با این روند به مقابله برخیزند. در این راستا دولت فرانسه ایستگاه های تلویزیونی را مکلف ساخته است که بخشی معین از ساعات پخش برنامه های خود را به انعکاس هنرهای ملی و به زبان ملی اختصاص بدهند.

-طبق ماده ۱۲۸ معاهده جامعه اروپا، این جامعه، نوعی تنوع ملی و منطقه ای دولت های عضو را حرمت خواهد نهاد، ضمن آنکه از میراث مشترک فرهنگی نیز غافل نخواهد ماند.

-بند ۲ ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی: هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل، بدون توجه به مرزها، خواه شفاهی یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری و یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می باشد.

- بند ۳ ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی: اعمال حقوق مذکور در بند ۲ را منوط به احترام به حقوق و حیثیت دیگران، حفظ امنیت ملی، نظم عمومی یا سلامت اخلاق عمومی کرده است.^{۳۸}

^{۳۸} زمانی، سید قاسم، جایگاه اصل آزادی پخش مستقیم برنامه های ماهواره ای در حقوق بین الملل، گروه مطالعات حقوقی سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (سروش)، چاپ اول، ۱۳۸۴، صص ۵۷-۵۱.

بر اساس طرح پیش نویس کمیسیون حقوق بین الملل در مورد مسئولیت دولت ها، در صورتی که عملی در پاسخ به عمل نامشروع دیگری صورت گرفته باشد - تحت شرایط خاص - وصف متخلفانه آن سلب و عمل مذکور مشروع قلمداد می شود.^{۳۹}

ب) انقلاب های رنگی: انقلاب از لحاظ لغوی، عبارت از برگشتن از حالی به حال دیگر، دگرگون شدن، آشوب و شورش است. از حیث مفهومی نیز انقلاب به گونه ای از کنش سیاسی جمعی و توده ای گفته می شود که در قالب منازعه ای خشونت آمیز برای قبضه قدرت دولتی در درون واحد سیاسی مستقلی شکل می گیرد. بنابراین نزاع های انقلابی نیازمند سازماندهی، رهبری و ایدئولوژی برای انجام شدن است و اصولاً سطحی از خشونت را به همراه دارد.^{۴۰} اما انقلاب های رنگی^{۴۱} که به انقلاب های مخملی^{۴۲} نیز شهرت دارد یکی از مصادیق براندازی نرم است. عنوان «انقلاب رنگی» اصولاً به انقلاب های آرام در شرق اروپا و آسیای میانه که به انقلاب های بدون خشونت معروف شده اند اشاره دارد.^{۴۳} وجه مشترک تمام این حرکات، مبارزات منفی هستند که عمدتاً بر ضد حکومت هایی که خود را متعصب و دیکتاتوری نشان داده اند، بکار گرفته می شوند. مخالفین بطور کلی از دموکراسی و آزادی دفاع کرده اند؛ معمولاً یک رنگ یا گل خاصی بعنوان نماد مورد استفاده قرار گرفته است. ارکان تشکیل دهنده چنین انقلابی را جنبش های اجتماعی، سازمان های غیر دولتی و رسانه ها (بخصوص رسانه های فراملی) تشکیل می دهند. اکنون به خوبی ثابت شده است که رسانه های فراملی نقش بسیار مهمی در این انقلاب ها بازی کرده اند^{۴۴} و این در حالیست که به نقش رسانه های فراملی در شکل گیری انقلاب و براندازی حکومت ها کمتر توجه شده است. با کمی تأمل در تمام انقلاب های رنگی و مخملی، به خوبی نقش برجسته رسانه های فراملی بعنوان رکن بی دلیل انقلاب های مذکور آشکار می شود^{۴۵}؛ از جمله مهم ترین مصادیق انقلاب های رنگی رسانه های فراملی عبارت است از:

-انقلاب بولدوزر صربستان^{۴۶}

-انقلاب گل رز گرجستان^{۴۷}

-انقلاب نارنجی اوکراین^{۴۸}

-انقلاب گل لاله قرقیزستان^{۴۹}

^{۳۹} زمانی، سید قاسم، "پخش مستقیم ماهواره ای و اقدامات متقابل در حقوق بین الملل، با تأکید بر ارسال پارازیت"، مجله حقوقی نشریه دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۴، ۱۳۷۸، صص ۳۲۱-۳۱۹.

^{۴۰} شبان فاریابی، معصومه، "عوامل داخلی و خارجی در شکل گیری انقلاب رنگی گرجستان، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز"، شماره ۶۳، پاییز ۱۳۸۷، ص ۱۳۸.

^{۴۱} Color Revolution

^{۴۲} Velvet Revolution

^{۴۳} کولایی، الهه، "ریشه های انقلاب های رنگی در جمهوری های بازمانده از فروپاشی شوروی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز"، سال چهاردهم، دوره چهارم، شماره ۵۱، پاییز ۱۳۸۴، ص ۵۸.

^{۴۴} Howison, Phil, 16. October., The Decline of the nation State, victoria University, Wellington, New Zealand, 2006, p. 6.

^{۴۵} قابل ذکر است دلیل انتخاب کشورهای مزبور، از آن جهت است که یا انقلاب ها در آن کشورها با موفقیت تمام شده است و یا آثار مخرب بسیاری را از خود بر جای گذاشته است.

^{۴۶} Bulldozer revolution

^{۴۷} Rose Revolution

^{۴۸} Orange revolution

^{۴۹} Tulip Revolution

ج) انقلاب های اخیر کشورهای عربی: در حال حاضر، در دورانی به سر می بریم که چندین انقلاب در کشورهای عربی رخ داده است و یا در شرف واقع شدن است. کلید اولین انقلاب در تونس زده شد و سپس مصر و متعاقب آن ها کشورهای همچون بحرین، یمن، اردن، لیبی و سوریه و در سطحی کوچکتر، عربستان سعودی، الجزایر، عمان، کویت و مراکش، کشورهای بودند که جنبش های اعتراض آمیز مردمی در آن ها اتفاق افتاده است. جنبش های مردمی در سال ۲۰۱۱ همچون پدیده ای در جهان عرب رخ داده و در حال گسترش در تمامی جهان است. پدیده ای که می تواند باعث بروز انقلابی مردمی علیه حکومت های استبدادی و قدرت های ستمگر جهان شود. انقلاب های کشورهای عربی نیز همانند انقلاب های رنگی دارای نام خاص هستند^{۵۰}. نقش رسانه های فراملی در انقلاب های کشورهای عربی به قدری زیاد است که این انقلاب ها را به نام انقلاب های «فیسبوکی» یا «توییتری» تعبیر می کنند^{۵۱}. شبکه های اجتماعی که از آن در برخی متون ارتباطی بعنوان رسانه های اجتماعی نیز یاد شده است، با دارا بودن ویژگی های مهمی مثل تعاملی بودن، مشارکت پذیر بودن و متکی بودن بر تولید توسط انبوه کاربران بجای تولید اطلاعات و محتوا توسط سازمان ها و رسانه های بزرگ، به ابزاری تأثیرگذار در جهان امروز تبدیل شده و به دلیل سختی کنترل، مشکلاتی را برای دولت ها بوجود آورده اند. اما آنچه امروز شبکه های اجتماعی را بیش از پیش مهم و سرنوشت ساز ساخته است، استناد بسیاری از رسانه ها و کارشناسان به آن ها، بعنوان پایه اصلی قیام های عربی است. تأثیر رسانه های فراملی در انقلاب های کشورهای عربی در مقایسه با انقلاب های رنگی، بسیار بیشتر است؛ بعلاوه اینکه رسانه های فراملی پیشرفتی فزاینده داشته اند و همچنین رویکرد مردم نسبت به رسانه های مذکور بسیار بیشتر شده است^{۵۲}. از تعداد کاربران اینترنتی کشورهای عربی می توان نتیجه گرفت که رسانه های فراملی چه تأثیر مهمی در انقلاب های کشورهای عربی داشته اند. آمار و ارقام نشان دهنده رویکرد روزافزون مردم به رسانه های فراملی در کشورهای عربی است^{۵۳}. از جمله مهم ترین مصادیق انقلاب های رسانه های فراملی در کشورهای عربی عبارت است از:

انقلاب گل یاس تونس^{۵۴}

انقلاب گل نیلوفر آبی مصر^{۵۵}

نتیجه گیری

ورود رسانه های فراملی به درون مرزهای کشورها، نقض حقوق آنها، از جمله حقوق ملی، مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، و مهمتر از همه حق امنیتی دولت های متأثر از این رسانه ها را در پی دارد و اساسا رسانه های فراملی چالشی جدی را برای دولت ها ایجاد کرده اند. رسانه های مذکور با جنگ نرم رسانه ای می توانند حلقه های فکری و فرهنگی کشورها را سست کرده و با بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی-اجتماعی حاکم تزلزل و بی ثباتی تزریق کنند. رسانه های فراملی با بکارگیری اهرم های خبری و اطلاعاتی قادر به تغییر باورها و نگرش های جمعی، یا شکل دهی به افکار عمومی، ملی و فراملی شده اند. خلق بحران برای کشورها توسط رسانه های فراملی از دیگر چالش های دولت هاست. رسانه های مذکور، افکار عمومی را از حالت تعادل خارج می کنند و امنیت ذهنی و به دنبال آن امنیت اجتماعی را بر هم می زنند، که نتایج وخیمی را برای دولت

^{۵۰} یکی از نمادهای منحصر به فرد و البته تأسف برانگیز انقلاب کشورهای عربی، خودسوزی جوانی بود که با عمل خود سعی داشت اعتراضاتش را بسیار عمیق و عظیم جلوه دهد.

^{۵۱} فیس بوک (Facebook) و توییتر (Twitter) دو شبکه اجتماعی اینترنتی هستند که در بین کاربران اینترنت بسیار محبوب هستند و تعداد کثیری از مردم از طریق این شبکه ها با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند.

^{۵۲} تعداد کاربران اینترنت در کشورهای مذکور از ۱۶ میلیون نفر در سال ۲۰۰۴ به بیش از ۶۵ میلیون نفر در سال ۲۰۱۱ رسیده است.

^{۵۳} Khamis, sahar and Vaughn, Katherine, Summer, ((Cyberactivism in the Egyptian Revolution: How Civic Engagement and Citizen Journalism Tilted and Balance)), Arabmedia and Society, 2011, p. 43.

^{۵۴} Jasmin Revolution

^{۵۵} Lotus Revolution

ها در پی دارد. در عصر کنونی رسانه های فراملی تأثیر بسزایی در فرسایش و براندازی نرم حاکمیت دولت ها دارند. ایجاد چالش هایی نظیر مشروعیت و مقبولیت دولت ها در افکار عمومی، مورد تردید قرار دادن کارآمدی دولت ها، بی اعتماد ساختن مردم به مسئولان و رسانه های داخلی، اختلال در نظام ارتباطی دولت-ملت، گوشه ای از تأثیر فوق العاده رسانه های فراملی در تضعیف و براندازی نرم حاکمیت دولت هاست، که وقوع انقلاب های رنگی و مخملی در سال های اخیر، نمونه ای برجسته از همین تأثیرات است. کمک به وقوع انقلاب های رنگی و جنگ نرم و بدون خشونت رسانه های فراملی، مصداق بارز مداخله در امور داخلی کشورهاست که مطابق بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد ممنوع است. دخالت در امور داخلی یک دولت، گذشته از اینکه اهانت به مردم و دولت آن کشور به حساب می آید، اصولاً روابط بین المللی را نیز به هم می ریزد و صلح جهانی را نیز به خطر می اندازد و حتی منافعی با حقوق اساسی کشورهاست که از جانب همه نهادهای بین المللی به رسمیت شناخته شده است و حقیقتاً ناقض حق حاکمیت دولت ها می باشد. اما باید گفت که اصل عدم مداخله اصل مطلق نیست و در این رابطه باید ذکر کرد: «هرچند درست است که مداخله در امور داخلی ممنوع است، ولی امروزه دامنه آن تفاوت هایی با معنای دهه ۶۰ تا ۷۰ میلادی پیدا کرده است و به آن شکل گسترده نیست». در عصر حاضر امور داخلی بسیار دامنه محدودتری دارد و حقوق بین الملل مهم ترین عامل محدود کننده آن است. دولتی که در زمینه حقوق بشر، سلاح های کشتار جمعی، محیط زیست و ... به معاهدات بین المللی می پیوندد، نمی تواند همچنان و علیرغم عضویت در این معاهدات مدعی شود که هیچ دولتی، هیچ سازمانی، هیچ رسانه فراملی ای و ... نمی تواند در خصوص رفتار او در آن زمینه اظهار نظر کند، چون آن امور در حیطه صلاحیت داخلی اش قرار دارد. به عبارت دیگر، انعکاس خبرهای یک کشور که مرتبط با مسائل مهم بین المللی باشد به حفظ صلح و امنیت بین المللی کمک می کند و حتی مطابق بند ۷ ماده ۲ منشور مجاز دانسته شده است. باید ذکر کرد که حق حاکمیت ملی در عصر کنونی به پایان عمر خود نزدیک شده است.

فهرست منابع

- تافلر، آلوین، موج سوم، ترجمه: خوارزمی، شهیندخت، نشر سیمیرغ با همکاری نشر فاخته، چاپ نهم، تهران، (۱۳۷۳).
- رنجبران، داود، جنگ نرم، انتشارات ساحل اندیشه تهران، تهران، چاپ هشتم، (۱۳۸۹).
- زایدل هوهن فلدنر، آیگنانس، حقوق بین الملل اقتصادی، ترجمه: زمانی، سید قاسم، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، تهران، چاپ چهارم، (۱۳۸۵).
- زمانی، سید قاسم، جایگاه اصل آزادی پخش مستقیم برنامه های ماهواره ای در حقوق بین الملل، گروه مطالعات حقوقی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (سروش)، چاپ اول، (۱۳۸۴).
- والاس، ربکا، حقوق بین الملل، ترجمه: زمانی، سید قاسم و بهراملو، مهناز، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، تهران، چاپ سوم، (۱۳۸۲).
- افتخار جهرمی، گودرز، "حاکمیت دولت ها و محدودیت های منشور ملل متحد"، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، (۱۳۷۵).
- پروین، خیراله، "حقوق بشر و تأثیر آن بر حاکمیت ملی دولت ها"، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۴، زمستان (۱۳۸۸).
- ذوالفقاری، مهدی، "جنگ روانی"، نشریه ره آورد سیاسی، شماره ۱۶، تابستان (۱۳۸۶).

- راعی، مسعود، "دخالت های بشردوستانه و حقوق بشر، مجله معرفت"، شماره ۷۰، مهر (۱۳۸۲).
- زمانی، سید قاسم، "پخش مستقیم ماهواره ای و اقدامات متقابل در حقوق بین الملل، با تأکید بر ارسال پارازیت"، مجله حقوقی نشریه دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۴، (۱۳۷۸).
- سلطانی فر، محمد، "رسانه ها، بحران های نوین و جنگ های پست مدرن"، فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۴۲ و ۴۳، پاییز (۱۳۸۳).
- شبان فاریابی، معصومه، "عوامل داخلی و خارجی در شکل گیری انقلاب رنگی گرجستان، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز"، شماره ۶۳، پاییز (۱۳۸۷).
- کریمی والا، محمد رضا، "نظریه حاکمیت در دیدگاه اسلام، مجله معرفت"، شماره ۱۱۵، (۱۳۸۶).
- کولایی، الهه، "ریشه های انقلاب های رنگی در جمهوری های بازمانده از فروپاشی شوروی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز"، سال چهاردهم، دوره چهارم، شماره ۵۱، پاییز (۱۳۸۴).
- محمدی، مجید، "آموزش حقوق رسانه ها، نشریه علوم اجتماعی، رسانه"، سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان (۱۳۷۹).
- موسوی، سید فضل الله و حاتمی، مهدی، "مداخله بشر دوستانه: نقض قاعده یا استثناء سوم"، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱، (۱۳۸۶).
- نقیب السادات، سید رضا، "تهدیدهای رسانه ای، مدیریت و بحران"، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، شماره ۲۳، (۱۳۸۷).
- Badakhshami, ofran, Globalization: The end of state Sovereignty?, Free University of Amesterdam, Faculty of Social sciences Department of Political Science, (2008).
- E Price, Monroe, ((Governance , globalism and satellites)), Global Media and communication, (2008).
- Howison, Phil, 16. October., The Decline of the nation State, victoria University, Wellington, New Zealand, (2006).
- Khamis, sahar and Vaughn, Katherine, Summer, ((Cyberactivism in the Egyptian Revolution: How Civic Engagement and Citizen Journalism Tilted and Balance)), Arabmedia and Society, (2011).
- Kumar, Sangeet, ((Google Earth and the nation State: Sovereignty in the age of new media)), Global Media and Communication, (2010).
- Nguyet Erni, John, ((War, "Incendiary media" and international human rights law)), Media Culture Society, (2009).
- Visited in: 25/6/2011, Available at: <http://WWW.media – anthropology.net/discussion-ma-definition.pdf>
- Visited in: 14/5/2011, Available at: <http://WWW.clarkefoundation.org/acc/biography.php>

-Visited in:23/5/2011, Available at: <http://WWW.SpaceScience.ir/ShowPost.aspx?Post=0000159>

-Visited in: 24/5/2011, Available at: <http://WWW.howstuffworks.com/satellite.html>

-Visited in 26/6/2011 : <http://WWW.democracyweb.org/expression/history.Php>

-Visitted in: 25/7/2011,Available at: <http://WWW.mediaite.Com/online/news-of-the-World-hached-into-deleted-missing-girls-voico-mail>

-Visitted in: 1/6/2011. <http://WWW.rbso.Com/propaganda.pdf>